

مشنوای محله مصلی

پیشین ی خواهد



پیمانکار فرهنگسرا شدم

در کانون ناشنوایان فعال بودم و همیشه ایده‌هایی برای اجرا داشتم، به‌گونه‌ای که موفق شده بودم به‌عنوان پیمانکار در فرهنگسرای «خادم‌الشریعه» فعال شوم؛ البته فرهنگسرا هر طرحی را قبول نمی‌کرد و به‌دنبال ایده یا طرح خاص بود. خوب: من هم باتوجه به مشکلاتی که خودم در کودکی داشتم و با مشکلات ناشنوایان هم تا حد زیادی آشنا بودم، طرح آموزش نصب کامپیوتر برای ناشنوایان را ارائه کردم. در ابتدا در مورد مسئله آموزش ناشنوایان جلساتی با مدیر فرهنگسرا و دبیر کانون ناشنوایان ترتیب دادیم. خوشبختانه دبیر کانون ناشنوایان خیلی دغدغه داشت. از همین رو کمیته ۴ نفری تشکیل شد و کار جملات‌سازی ناشنوایان را بررسی کردیم. قرار شد در صورت تصویب طرح این کار اجرایی شود. در گام بعدی برای ثبت‌نام افراد اطلاع‌رسانی کردیم که این موضوع نیز برای خودش داستانی داشت: در کانون نتوانستیم به‌طور رسمی اطلاع‌رسانی کنیم. به همین دلیل عده محدودی ثبت‌نام کردند. بودجه‌ای هم برای این طرح نبود و برای اینکه با شکست روبه‌رو نشویم، موضوع را با یکی از بخش‌های آستان قدس مطرح کردیم و موفق شدیم یک میلیون کمک در یافت کنیم و یک کلاس آموزشی برای بانوان ناشنوا برگزار کنیم و روی کیفیت آن متمرکز شویم.

این طرح پا گرفت و خودمدیر فرهنگسرا نسبت به توسعه آموزش‌ها تمایل نشان داد؛ حتی از من خواستند آموزش‌ها را در سایر فرهنگسراها هم توسعه دهیم، اما متأسفانه کانون ناشنوایان در این زمینه همکاری نکرد و حتی الان می‌خواهند جای من کس دیگری را به‌عنوان نماینده و پیمانکار معرفی کنند. این در حالی است که پشت فعالیت من سال‌ها مطالعه و تجربه عملی خوابیده است.

در حال حاضر گام دوم طرح را اجرایی کنیم. ما آمدیم از طریق سازمان‌ها جلسه گذاشتیم تا سرمایه‌گذار جذب کنیم. قرار شد آموزش نصب ویندوز را در کتابخانه‌ها مستقر کنیم. برنامه را هم تولید کردیم ولی هنوز توافق نامه‌ای با سرمایه‌گذار امضا نکرده‌ایم. مراحل فیلم برداری که تمام می‌شود، مترجم کنار صفحه قرار می‌گیرد.

آموزش نصب کامپیوتر

مهارت ناشنوایان ضعیف است و نیاز دارند در این زمینه آموزش ببینند. جمله‌سازی را خیلی کار می‌کنیم. ما باید در زمینه‌های مختلف سیستم آموزشی داشته باشیم. در ۸ سال گذشته تصمیم گرفتیم تولید محتوای انیمیشن‌سازی را از طریق ارگان‌ها پیگیری کنیم. نیاز به حضور و شرکت در جاهای مختلف داشتیم. نمونه کار می‌دادیم ولی تأیید نمی‌شد. هزینه حضور نداشتیم. پارک علم و فناوری اولین باری که تمام می‌شود، مترجم کنار صفحه قرار می‌گیرد.

خانواده‌ای که همه معلول هستند

در خانواده‌ای پر جمعیت به دنیا آمدم؛ ۶ خواهر و یک برادر داشتم که هر کدام یک معلولیت داشتند؛ از کم‌بینایی و نابینایی گرفته تا مشکلات شدید عصبی. دیدن این وضعیت بسیار اذیت‌م می‌کرد. در حالی که خودم هم مشکل شنوایی داشتم، اما از همان ابتدا نمی‌توانستم خودم را ضعیف تصور کنم؛ اینکه بنشینم در خانه و غصه بخورم. خدا را شکر اتفاقاتی در زندگی‌ام افتاد که دست‌کم توانستم در مسیر کار و تلاش و علاقه‌مندی‌هایم قرار بگیرم.



علاقه و

کنجکاوی‌ام

در باره اینکه

چطور انیمیشن

ساخته می‌شود

باعث شده

هنرستان بروم و

به دنبال انیمیشن

باشم، اما متأسفانه

در مشهد این

رشته اصلاً وجود

نداشت و برای

تحصیل در این

رشته باید به

تهران می‌رفتم

